راه‌های عامیانه پیشگیری و درمان وبا در دوره قاجاریه

زهرا حاتمی*

دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران

چکیده

گرچه تاکنون کتابهایی درباره تاریخ پزشکی دوره قاجار نوشته شده است و در تمامی آنها درباره شایع‌ترین بیماری کشنده در این دوره سخن رفته است؛ اما همچنان جای خالی پژوهشی درباره راه‌های عامیانه پیشگیری و درمان بیماری وبا در این دوره احساس می‌شود. به این دلیل بر آن شدیم تا ضمن مطالعه منابع بر جای مانده از آن زمان به خصوص خاطرات و سفرنامه‌های ایرانیان و بیگانگان و نیز نسخ خطی بر جای مانده به واکاوی درباره این موضوع بپردازیم. از آن جایی که موضوع مقاله حاضر نه در زمان حال بلکه متعلق به گذشته است، بنابراین و به ناگزیر از روش کتابخانه‌ای در نگارش این مقاله توصیفی استفاده و تلاش کردیم تا کاستی‌های روایت‌های بیگانگان را با گزارش‌های ایرانیان تقویت کرده و شواهد کافی به خواننده ارائه دهیم. امید است که با این گام کوچک، راهی برای بررسی تاریخمند باورهای عامیانه در پزشکی گشوده باشیم.

تاریخ دریافت: آذر ۹۱
تاریخ پذیرش: خرداد ۹۲

کلید واژه‌ها: وبا، پیشگیری، قاجاریه، عامیانه.

مقدمه:

مسئله اصلی در پژوهش حاضر، شناسایی راه‌های عامیانه پیشگیری و درمان بیماری وبا در دوره قاجار و پاسخ گفتن به چرایی اقبال عامه مردم به این روش ها است. متاسفانه علیرغم وجود اطلاعات ناب و دست اول در متون بر جای مانده از این دوره به دلیل بی‌میلی محققان تاریخ به عرصه تاریخ اجتماعی و ناآگاهی محققان طب سنتی از وجود آنان، تاکنون پژوهشی جدی درباره آن صورت نگرفته است. این در حالی است که مغفول ماندن این رویدادها سبب خواهد شد که بخشی از تاریخ اجتماعی دویست ساله اخیر ناشناخته مانده و احتمالا در پاره‌ای موارد به تکرار اشتباهات پیشینیان منجر شود.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر بیش از هر چیز مطالعه‌ای توصیفی اما انتقادی درباره دوره قاجاریه است که به دلیل خصلت تاریخی آن با اتکاء بر متون بر جای مانده از این دوره و به صورت کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. همچنین به اقتضای موضوع پژوهش به راه‌های عامیانه پیشگیری و درمان بیماری وبا در کنار روش های متداول طب غربی در این دوره اشاره شده است.

یافته ها و بحث:

۱-۱ معرفی بیماری وبا:

مرض موت یا مرگامرگی، اصطلاحی است که عمدتاً در گذشته تاریخی ایران برای بیماری سخت، شایع و ترس آوری

* فرد مسئول مکاتبات: Zahra.hatami1363@gmail.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-22]

به نام وبا استفاده می‌شد. بیماری که از سوی پزشکان اروپایی در سال ۱۸۱۷ م./ ۱۲۳۲ ق. به نام " کولرا (Cholera) نامیده شد. اولین نشانه‌های این بیماری، احساس سرگیجه و پیچیدن صدای زنگ در گوش، همراه اضطراب شدید است. سپس عارضه اسهال یا تهوع یا هر دو شروع می‌شود. گویی روده ها در یک لحظه و یکباره خالی می‌شوند. اگر شخص در طی روز مبتلا شود، اولین احساس او وحشت از حالتی است که به او روی آورده. در بسیاری از نوشته‌ها، همین ترس را عامل اصلی مرگ دانسته‌اند. اگر علائم بیماری در شب بروز کند، بیمار مضطربانه بیدار می‌شود، سوزشی در انتهای معده و سنگینی در کمر احساس می‌کند، دست و پایش تیر می‌کشد، عرق چسبناکی بدنش را می‌پوشاند، ضربان نبض احساس نمی‌شود، گاهی سردرد نیز همراه است. اگر در این مرحله بیمار تکان بخورد یا از جای خود برخیزد، اسهال و استفراغ در چند لحظه عارض می‌شود. این مرحله از نیم ساعت تا یک ساعت طول می‌کشد. بعد مرحله انقباض عضلانی همراه با درد شدید خاصه در نوک انگشتان دست و پا است. اگر بیمار از این حالت برخاست، شفا یافته است وگرنه به آخرین مرحله بیماری که بیهوشی‌های متوالی است، می‌رسد. نگاه او بی حرکت است، رنگ چهره به کبودی می‌گراید، تنفس سنگین و کلام نامفهوم می‌شود، نبض آهسته‌تر و نامحسوس‌تر می‌شود و از این مرحله تا مرگ یعنی از آغاز تا پایان بیماری چند ساعتی بیش نیست (۱).

۱-۲ تاریخچه بیماری وبا در دوره قاجاریه:

وبا و طاعون، دو بیماری همه گیر در سالهای حکمرانی قاجاریه در ایران بودند. گسترش وبای بزرگ در سال ۱۲۳٦ ق. در ایران بی سابقه بود. در خلیج فارس روزی ۱۵۰۰ نفر را می‌کشت و چون به ناچار اجساد را به دریا می‌ریختند، بیماری شدت کرد (۱). در سال ۱۲۵۱ ق. سراسر ایران بار دیگر گرفتار این بیماری شد که این بار حدود ۵۰ نفر در سراسر ایران از میان رفتند (۲). وبای سال ۱۲٦۲ ق. تهران را آلوده خود کرد و جمعی از معاریف را به کام مرگ کشاند. (۲) در سال ۱۲٦۹ ق. در قم، کاشان و مازندران دیده شد (۲) اما شدت شیوع آن در خراسان در سال ۱۲۸۵ ق. به حدی بود که حتی جلال الدوله والی این ایالت هم از آن جان سالم به در نبرد (۲). سه سال بعد، وبا سراسر ایران را پس از قحطی گسترده درهم نوردید و " خرمن عمر مردمی را که با گوشت چهارپایان و اموات زنده مانده بودند، هزار هزار درو کرد" (۳) در سال ۱۳۰۷ ق. وبا ایالات غربی ایران را آلوده خود کرد. در کرمانشاهان تا ملایر بیماری شایع شد و غیر از مردمان بی نام و نشان، چراغ عمر اعیان و اشرافی چون دختر امیرزاده مجدالدین میرزا را هم خاموش کرد (٤)، وبای سال ۱۳۰۹ ق. از افغانستان به ایران سرایت کرد. باوجود تعیین قرنطینه در سرحدات باخزر، حدود مرزی دچار آشفتگی شد و چون ماموران حفظ الصحه به دقت تمام اوضاع را کنترل نکردند بیماری به سرعت به مشهد رسید و پس از تلفات ۲۰ هزار نفری شهر، تا تهران هم سرایت کرد (۲). در تهران حدود یک دهم اهالی پس از ابتلا به کام مرگ رفتند (۵). این بیماری در سال ۱۳۱۰ ق. و ۱۳۱۱ ق. هم در ایران باقی ماند و قربانی گرفت. در این مدت در خراسان، مازندران، گیلان، استرآباد، قزوین و خمسه، یزد و کرمان، اصفهان شایع شد؛ اما به عراق، ملایر، همدان، بروجرد، لرستان و خوزستان و کمی از ایالت فارس راه نیافت (٦). عزاداری محرم سال ۱۳۱۰ ق. که به عادت همه ساله در سراسر ایران برگزار می‌شد، خود سبب ساز شدت گرفتن بیماری بود. اجتماعات و مراودات بسیار مردم در این مراسم، همراه با پخش نذورات، آلودگی را با سرعت بیشتری در شهرهای بزرگی به مانند تهران منتشر می‌کرد. به گفته شاهدان در تهران روزی هزار و پانصد نفر می‌مردند (۷). به همین علت چهل روز پس از شیوع وبا، تهران ۷۰ هزار تن از ساکنان خود را از دست داده بود (۸). میرزا عیسی وزیر تهران از جمله نامورترین قربانیان وبا در این سال بود (۳) که همراهانش از ترس ابتلا حتی حاضر به دفن جنازه او هم نشده بودند و جانوران صورتش را طعمه خود ساخته بودند (۹). عفت الدوله خواهر ناصرالدین شاه و عصمت السلطنه مادر ظل السلطان از دیگر قربانیان نامدار وبای این سال بودند (٦).

در ربیع الثانی سال ۱۳۱۱ق. بار دیگر وبا این بار از مرزهای غربی به ایران هجوم آورد (٦)، و به سرعت ایالات

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-22]

غربی از جمله کرمانشاهان، همدان، ملایر، تویسرکان، خوزستان تا تهران را در هم نوردید (٦). در تهران آمار مرگ و میر به روزی ۲۵ الی ۳۰ نفر می رسید (٦). افراد نامداری چون شیخ محمد طاهر مجتهد دزفولی (٦) و سکینه خانم چیذری همسر صیغه‌ای شاه از جمله قربانیان وبای این سال بودند (٦).

ده سال بعد در سال ۱۳۲۲ ق. شیوع وبای دیگری، تعدادی از مردم را به کام مرگ کشاند. این بار هم بیماری از عراق عرب به داخل ایران سرایت کرد (۹). کانون بیماری در شهر کربلا بود که پس از سرایت به بغداد در محرم به کرمانشاهان و از آنجا به ملایر و اسدآباد و همدان و کردستان رسید (۸). شیوع چهار ماهه وبا در همدان با تلفاتی بالغ بر ٤۰۰ تن در هر روز همراه بود (۵). در ربیع الثانی بیماری به تهران هم سرایت کرد و در فاصله ۲۷ ربیع الثانی تا ۲۲ جمادی الثانی در مشهد هم هویدا شد. اوج و شدت بیماری در این شهر در فاصله ۱۰ تا ۲۲ جمادی الاول بود (۲). دولت ایران به محض اطلاع از شیوع وبا در عتبات، حکمی صادر کرد که براساس آن مسافرت زوار ایرانی به عتبات منع و قدغن گردیده و در بیستون هم ترتیب ایجاد قرنطینه داده شده بود (۹). در تهران پس از یکی دو ماه که خبر شیوع وبا از مظفرالدین شاه مخفی نگه داشته شد (۱۰)، در اطراف صاحبقرانیه هم قرنطینه‌ای ایجاد شد با این حال غیر از تعداد اندکی هیچ کس اجازه رفت و آمد به درب خانه و دربار را نداشت (۱۱). خدمات مختارالسلطنه وزیر نظمیه در این سال به بیماران مبتلا به وبا و عیادت و سرکشی او در میان آنان در میان اوراق تاریخی ثبت شده است. فردی که خود هم به این بیماری مبتلا و در اثر آن درگذشت(۳، ۷). از نامدارترین متوفیات وبای این سال می‌توان به دختر مشاورالدوله، همسر مویدالدوله، همسر امیر بهادر جنگ (۱۱)، مسیو روک بلژیکی مفتش گمرک کرمانشاه و افخم السلطنه اشاره کرد (۹).

۱-۳ عوامل شیوع وبا و واکنش مردم:

آلودگی آب‌ها از اصلی‌ترین عوامل شیوع بیماری وبا در شهرهای ایران بالاخص شهرهای بزرگ به حساب می‌آمد. شستن لباس در جویهای آب و عدم استفاده از صابون برای رفع آلودگی لباس‌ها (۱۲)، آلوده بودن حوضچه‌های تهیه یخ در سراسر تهران (۱۲)، نبود لوله کشی آب برای انتقال آب شرب سالم و نگهداری آب آشامیدنی در چاله‌های روباز، فقدان سیستم فاضلاب شهری در شهرهای بزرگی چون تهران (۱۲) ، عفونت آبها در آب نماها و حوضهای خانگی به علاوه جمعیت زیاد از حد ساکن در خانه‌های تهران (۱۳) که از دوره ناصری به سبب موج مهاجرت‌ها روز به روز در حال افزایش بود، نبود سرویس‌های بهداشتی عمومی در شهرها و سنگ فرش نبود معابر شهری(۱٤،۱۳) از اصلی‌ترین عوامل شیوع بیماری وبا در ایران دوره قاجاریه است.

مهم ترین واکنش اهالی در برابر گسترش این بیماری، ترک شهر و فرار به سمت مناطق خوش آب و هوا و کوهستانی بود. در تهران به سرعت بازارها و مغازه‌ها بسته می‌شد (۱۲)، کسانی که ثروت و مکنت قابل ملاحظه‌ای داشتند از فرصت استفاده کرده کشور را ترک می‌کردند(۱۵) و همه آنهایی که باغی در خارج از شهر داشتند و یا می‌توانستند زیر سقفی کرباسی در بیابان پناه بگیرند، اموال خود را گرد آورده از دروازه‌های شمالی به خارج تهران هجوم آورده به شمیرانات پناهنده می‌شدند (۱۵). عملی که افزایش عبور و مرور و تنگی جا و مکان شیوع بیماری را آسان تر می‌کرد (٦). در حالی که دولتمردان پایتخت و حکمرانان مناطق مختلف جزو نخستین کسانی بودند که شهر را ترک کرده به منطقه‌ای امن پناهنده می‌شدند (۱۵ ، ۱٦ ، ۳). تنها تغییر فصل و به پایان رسدن ماههای گرم (۳) و بارش باران (۱۵) دریچه امیدی به روی مردمان ناامید می‌گشود تا به آینده بدون وبا امیدوار باشند.

۱-٤ راه‌های درمان وبا:

پزشکی نوین غربی همگام با آموزه‌های سنتی پزشکی ایرانی و اسلامی از نخستین سالهای حکمرانی قاجاریه به ایران وارد شد. پزشکان هیات‌های سیاسی – نظامی اروپایی، جزو نخستین افرادی بودند که این آموزه‌ها را به ایران وارد کردند و تجربه‌ای متفاوت از درمانگری را به ایرانیان آموختند. از جمله این پزشکان می‌توان به نایب جراح بریگز، دکتر جوکز، دکتر کورمیک، کمپل، مکنیل) اشاره کرد (۱۷). از سوی دیگر عباس

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-22]

میرزا که برخلاف دیگران به کارآمدی طب غربی معتقد بود و از تجارب دکتر کورمیک و مکنیل استفاده کرده بود (۱۷)، در شمار نخستین محصلان ایرانی که برای یادگیری علوم و فنون نوین غربی به اروپا اعزام نمود، حاجی بابا افشار و میرزا محمد جعفر را برای تحصیل پزشکی به انگلستان فرستاد (۱۸). حاجی بابا افشار پس از تکمیل تحصیلات پزشکی خود در آکسفورد، پزشک مخصوص عباس میرزا و مترجم او شد و بعدها نیز به عنوان پزشک مخصوص محمدشاه برگزیده شد (۱۸).

نقطه عطف دیگر در تاریخ پزشکی نوین ایران، افتتاح دارالفنون بود که دکتر پولاک اتریشی و دکتر شلیمر شلیمر هلندی جزو معلمان طب و کحالی دوره اول آن به حساب می‌آمدند(۱۹). نخستین جلسه مجلس حفظ الصحه در ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۹۸ ق. در این مدرسه با حضور وزیر علوم و معارف، رئیس و ناظم دارالفنون، دکتر طولوزان، دکتر دیکسن، دکتر آرنو، دکتر بگمز و عده ای دیگر از معلمان ایرانی دارالفنون تشکیل شد و تصمیماتی مبنی بر ممنوع کردن زیارت عتبات به علت شیوع طاعون در عراق، اعزام پزشک به نقاط مختلف کشور و دستور تشکیل قرنطینه در سرحدات ایران را در دستور کار خود قرار داد (۱۹). علاوه بر این در این تاریخ میسیونهای پزشکی غربی در ایران به طور گسترده‌ای فعالیت می‌کردند (۱۲)، و داروهای جدید غربی در داروخانه‌های شهرهای بزرگ به بیماران ایرانی فروخته می‌شد اما تا زمان عمومیت یافتن تشکیلات بهداشتی نوین در سراسر ایران و برخوردار شدن همه ایرانیان از این مواهب، راه درازی در پیش رو بود. در این فاصله و در مواجهه با بیماری‌های سخت و همه‌گیری چون وبا، مردم یا به آموزه‌های عرفی فرهنگ قدیم ایران متوسل می‌شدند و یا از آموزه‌های اسلامی استفاده می‌کردند.

در شهرهایی به مانند یزد، گاه برای درمان بیماران از طب سنتی استفاده می‌شد. مثلا" یک نخود جوهر کرم با یک پیاله گلاب به بیمار می‌دادند و پس از یک ساعت، نعناع، گل سرخ، شاه تره و گل جعده از هر یک، یک مثقال دم کرده و یک پیاله آن را با ده مثقال روغن بید انجیر به خورد بیمار می‌دادند"(۲۰). در جاهای دیگر به مانند قزوین، آبلیمو را موثرترین داروی خانگی در درمان وبا می‌دانستند (۲۰). علاوه بر آن شیوع گسترده وبا و وحشت و اضطراب مردم و عدم دسترسی آنها به داروهای جدیدی مانند کراولین(٦)، کنیاک و اسید فینیک (۸)، بسیاری از مردم فرودست را ناگزیر می‌کرد تا به زیارتگاه های مقدس در سراسر ایران پناهنده شوند. تهرانی‌ها به ابن بابویه، حرم حضرت عبدالعظیم (ع)، امامزاده حسن و امامزاده اهل علی (ع)(٦) ، مردم لرستان به امامزاده شاهزاده احمد (ع)(۲۱) و اهالی دزفول به مقبره دانیال نبی (ع) متوسل می‌شدند (۲۱). همچنین راه‌اندازی دسته‌های عزاداری و سینه‌زنی و طبخ آش امام زین العابدین (ع) در درمان وبا موثر دانسته می‌شد. با این حال کارآمدترین و رایج‌ترین راه پیشگیری و درمان وبا، توسل به ادعیه و طلسمات بود. به گفته جان ویشارد " در زمان شیوع بیماری وبا، فروشندگان این قبیل چیزها پول زیادی به دست آوردند"(۱۲). از این دوره نسخه‌های خطی بسیاری بر جای مانده است که در ان ادعیه و طلسماتی برای پیشگیری و درمان این بیماری به خوانندگان معرفی شده است. برخی از انواع این ذکرها، دعاهایی بود که بدون تعیین زمان خاص و مشخصی باید توسط فرد خوانده شود مانند:

" منقولست که هرگاه در بلدی وباء و بلا شدت داشته باشد، بگوئید: بسم الله الرحمن الرحیم. ولا حول و لا قوه الا العلی العظیم. لا یضر و لا ینفع شی الا باذن الله. توکلت علی الله و لایاتی بالشفاء الا الله ما شاء الله لا یصرف السوء الا الله حسبی الله الذی خلقنی فهو یهدین والذی یطعمنی و یسقین و اذا مرضت فهو یشفین و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمومنین. اللهم ارزقنا العافیه یا ولی العافیه و لا تفرق بیننا و بین العافیه یا خالق العافیه"(۲۲).

در برخی دیگر از این ادعیه‌ها، زمان خاصی برای قرائت آن به خواننده گفته می‌شد که احتمالا شرط اصلی برای کارآمد بودن دعای تجویزی بود:

" روایت شده که از برای دفع وبا و طاعون هر روز یک‌مرتبه این دعا را بخواند تا روز دیگر وبا و طاعون نبیند. هر که شک آورد اقرار به ولایت من نیاورده. دعا این است:

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-22]

اللهم بحق الحسین و اخیه و جده و ابیه و امه و بنیه نجنا من الطعن و الطاعون و الوباء الذی نحن فیه یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا حی یا شافی یا حی یا کافی یا شافی یا معافی ارحمنا و خلصنا من الطعن و الطاعون و الوباء یا الله یا الله یا الله الامان الامان الامان من شر هذالزمان. اللهم انک عفو کریم مجیب العفو فاعف عنا یا رب"(۲۲).

نمونه‌های دیگر شامل دو بخش ادعیه و طلسمات می‌شد که فرد باید ابتدا دعا را قرائت کرده و سپس به طلسمات سفارش شده، نظری بیفکند:

" به جهت رفع وباء و طاعون بخواند که مجربست: بسم الله الرحمن الرحیم. یا حی حین لا حی یا حی یحیی الموتی. لا اله الا انت. بسم الله الرحمن الرحیم یا شافی یا معافی یا محیی الاموات یا حی یا قیوم و بعد از تلاوت نظر به این طلسم نماید"(۲۲).

برخی دیگر از این ادعیه و طلسمات، به شرط خوردن موثر می‌افتادند:

" وارد است که این کلمات را بنویسد بر کاغذی و سه مرتبه سوره قل هو الله احد را بر آن بخواند و سه مرتبه صلوات بفرستد و آنرا فرو برد، از وبا محفوظ ماند و کلمات اینست: ئو سه بحر فقطا" (۲۲).

در نسخه های دعایی دیگر توصیه به خواندن دعا، همراه داشتن آن، خواندن آن بر گوسفند و خوردن از گوشت آن شده بود که هم برای پیشگیری و هم در درمان بیماری موثر دانسته می‌شد:

" هر روز یک بار این دعا را بخواند یا با خود دارد یا هفت مرتبه این دعا را در دهن گوسفند بخواند و بدمد و آن گوسفند را بکشد و بپزد، هرکس که گوشت و لاش آن را بخورد این زحمت در او داخل نشود و اگر بیمار بوده باشد از برکت این دعا به صحت مبدل گردد بعون الله تعالی و توفیقه. بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم انی اسئلک باسمائک یا مومن یا مهیمن یا قریب خلصنا من الوباء و الطعن و الطاعون یا الله یا الله یا الله الامان الامان الامان یا جبار یا ستار یا غفار خلصنا من الوباء..."(۲۲).

بر این اساس در بحبوحه همه گیری وبا، مردم فرودست که حتی راهی به گریز از مناطق آلوده نمی‌یافتند به انواع و اقسام درمانهای عامیانه به خصوص ادعیه و طلسمات روی می آوردند. آرامش روحی حاصل از استفاده از این دعاها و بعضا درمان گاه و بی‌گاه مرتبط یا غیر مرتبط با این امور نیز دلیلی بود برای تداوم استفاده گسترده از ادعیه و طلسمات در میان مردم در یکصد و اندی سال پیش در ایران.

نتیجه‌گیری:

برای پیشگیری و درمان وبا، مهم‌ترین و اصلی‌ترین بیماری همه گیر در دوره قاجاریه، در کنار درمانهای جدید غربی و استفاده از داروهای جدید، بخش بزرگی از ایرانیان به باورها و اعتقادات قدیم خود عمل می‌کردند. استفاده از گیاهان دارویی، توسل به امامان و امامزادگان و استفاده گسترده از ادعیه و طلسمات از جمله این روش‌ها بود.متاسفانه تاکنون درباره راه‌های عامیانه پیشگیری و درمان بیماری‌ها در دوران‌های تاریخی گوناگون پژوهشی جدی صورت نگرفته است. بدین ترتیب این مقاله نخستین گام برای راهنمایی محققان آینده برای مطالعه بر روی تاریخ اجتماعی مردم ایران با تمرکز بر باورهای آنان است.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-22]

References:

1. Nategh, Homa. Cholera and Government disaster. Tehran: ghostareh publication. 1385. 15 pages.
2. Riazi – e- Heravi, Mohamad yousef. Ein ol vaghaye. Correction by Mohamad Asef Fekrat. Tehran: enghelab eslami publication. 1372. 80 pages.
3. .Ehtesham ol saltine s diary. Correction by Seyed Mahdi Mousavi. Tehran: Zavar Publication. 1366. 550 pages.
4. Etemad ol saltaneh s diary.Correction by Iraj Afshar. Tehran: Amirkabir. 1385. 1200 pages.
5. Sadr ol ashraf s diary. Correction by Mohsen Sadr. Tehran: Vahid Publication. 1364. 450 pages.
6. Ein ol saltaneh s diary. V1. Correction by Masoud Salour , Iraj Afshar. Tehran: 1374. 670 pages.
7. Dolatabadi, Yahya. Hayat – e – Yahya. V1. Tehran: Atar va Ferdosi Publication. 1371. 320 pages.
8. Divan Beighi s diary. Correction by Iraj Afshar va Mohamad Rasoul Daryaghasht. Tehran: Asatir. 1382. 270 pages.
9. Farid ol Molk Hamedani, Mirza Mohamad Ali Khan. Farid s diary. Correction by Masoud Farid. Tehran: Zavar Publication. 1354. 480 pages.
10. Tajo l Saltaneh s diary. Correction by Masoud Erfanian. Tehran: Nashr e Tarikh e Iran. 1378. 180 pages.
11. Aziz ol Soltan s diary. V1. Correction by Mohsen Roustaee. Tehran: Zaryab Publication. 1376. 750 pages.
12. Vishard, John. Twenty Years In Iran. Translated By Ali Pirnia. Tehran: Novin. 1363. 350 pages.
13. Ghazvini, Mohamad Shafi. Ghanoun – e Ghazvini. Correction by Iraj Afshar. Tehran: Talaye. 1370. 220 pages.
14. Atshar, Hasanali Khan. Internity of Lorestan And Khouzestan. Correction by Hamidreza Dalvand. Tehran: Institue of Humanities And Cultural Studies.1382. 185 pages.
15. Bell, Gertrud. Some Pictures Of I ran. Translated by Bozorghmer Riahi. Tehran: Kharazmi. 1363. 170 pages.
16. Hedayat, Mahdigholi. Itinerary of Mecca. Correction by Mohamad Dabir Siaghi, Tehran: Tirajeh. 1386. 425 pages.
17. Elgood, Cyril Lioyd. A Medical History and the Eastern Caliphate. Translated by Baher Forghani. Tehran: Amirkabir. 1386. 870 pages.
18. Ringer, Monica M. Education, Religion and the Discourse of Cultural Reform in Qajar Iran. Translated by Mahdi Haghighat khah. Tehran: Ghoghnoos. 1385. 360 pages.
19. Roostaee, Mohsen. The History of Medicine in Iran. Tehran: National Library of Iran. 1382. 660 pages.
20. Afshar, Iraj. Iranian National Medicine. Tehran: Amirkabir. 1370. 945 pages.
21. Mahmoud Mirza Ghajar. Ahd – e – hosam. Correction by Iraj Afshar. Tehran: Mirath – e – Maktoub. 1390. 340 pages.
22. The Manuscript of Amano l Balieh. No. 665/f in the National Library of Iran. 70 pages.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-22]